

کبریت طلایی رضاشاه

با سلام به همه اعضای محترم انجمن کبریت و مجموعه داران گرامی.

در برنامه امشب قصد دارم به اتفاقاتی کبریتی خاص و مرتبط با رضاشاه بپردازم. رضاشاه پس از ناصرالدین شاه، دومین شاهی است که از یک کارخانه کبریت‌سازی بازدید کرد.

ناصرالدین شاه همان اوائل راه‌اندازی کارخانه کبریت امین‌الدوله، از آن بازدید می‌کند، محصولات کارخانه را می‌پسندد و آنطوری که دوستعلی‌خان معیرالممالک در کتابش می‌نویسد به تمام بازدیدکنندگان کبریت هدیه دادند، به شخص شاه و دیگر همراهان قبله عالم (!) چند بسته الوان و رنگانگ.

ظاهراً آنچه به ناصرالدین شاه هدیه دادند، همان محصولات کارخانه بوده و از کم و کیف آن بیشتر چیزی گفته نشده. ناصرالدین شاه به شدت از این کبریت‌ها خوشش آمده و امین‌الدوله را بسیار مورد تفقد قرار داده.

کارخانه امین‌الدوله کارخانه نسبتاً بزرگی بوده، حالا ممکن است از نظر وسعت و مساحت زیاد نبوده، اما چون محصولات متعدد داشته و به شیوه دستی تولید می‌شده، لاجرم بایستی کارگران زیادی داشته باشد.

دکتر «ویلم فلور» در کتاب «صنعتی شدن ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۵» می‌نویسد کارخانه کبریت‌سازی امین‌الدوله حدود ۵۰ کارگر داشته است.

به هر حال ناصرالدین شاه با همان چند بسته کبریت معمولی چنان کیفور شد که با تعریف و تمجیدهایش، امین‌الدوله را تا عرش بالا برد! اما رضاشاه هم که چنین بازدیدی از کبریت‌سازی ممتاز داشته، به چند بسته کبریت بسنده نکرد!

رضاشاه از ششم شهریور ۱۳۰۶ تا سوم مهر به مدت چهار هفته در آذربایجان می‌ماند و به کارهای این استان می‌پردازد. ظاهراً سفرهای استانی داشته!

از جمله کارهای او در این چهار هفته، بازدید از کارخانه کبریت‌سازی ممتاز است. کارخانه‌ای که متعلق به حاج محمد رحیم و حاج محمد باقر خوبی است و ظاهراً این دو نفر ارتباط نزدیکی با تیمورتاش داشته‌اند.

البته کسی مدعی این ارتباط است «تقی توکلی» پسر بزرگ حاج‌آقا کبریت‌ساز توکلی، موسس کبریت‌سازی توکلی است. آقا تقی الان مقیم امریکاست و هر از گاهی به ایران می‌آید. اخیراً که آمده بود بابت «کتاب کبریت» به من زنگ زد و حدود نیم‌ساعتی صحبت کرد و می‌گفت که این دو نفر با تیمورتاش در ارتباط بوده‌اند و همین باعث شد که امتیاز کبریت آذربایجان را به ممتاز بدهند و نه به توکلی.

خیلی به صحبت‌های ایشان نمی‌شود اعتماد کرد. ضمن اینکه اسناد تاریخی خلاف چیزی است که آقای تقی توکلی مدعی آن است.

عبدالحسین تیمورتاش دست راست رضاشاه بوده و می‌دانیم که سال ۱۳۱۲ دستور می‌دهد تیمورتاش را دستگیر کنند و در زندان قصر کشته می‌شود.

اخیرا کتاب خاطرات «تاج‌الملوک» همسر رضاشاه منتشر شده و گفته که رضاشاه حتی یک بار مخفیانه به زندان رفته و با تیمورتاش صحبت صمیمانه داشته. او حتی گفته ، رضاشاه پس از قتل تیمورتاش، دو زانو نشسته و برای تیمورتاش گریه کرده است.

بعید به نظر می‌رسد که کبریت‌سازی ممتاز و برادران خویی از طریق تیمورتاش چنین برنامه‌ای را دنبال کرده باشند. به هر حال می‌دانیم تنها کارخانه بزرگ کبریت‌سازی ایران تا سال ۱۳۱۱ همین «ممتاز» بوده است.

در همین کتاب «صنعتی شدن ایران» از ۱۷۰ کارخانه موجود و فعال کشور تا سال ۱۳۱۱ نام می‌برد که در این میان فقط یک کارخانه کبریت‌سازی دیده می‌شود و آن هم ممتاز است.

بنابراین دور از انتظار نیست که وقتی رضاشاه به آذربایجان می‌رود از تنها کارخانه کبریت‌سازی فعال کشور بازدید کند.

رضاشاه ۹ شهریور ۱۳۰۶ از کارخانه ممتاز بازدید می‌کند. مدیران و کارگران کارخانه به پیشباز او می‌آیند و رضاشاه از قسمتهای مختلف کارخانه بازدید می‌کند. همانطوری که گفته شد رضاشاه مثل ناصرالدین شاه نیست که چند تا قوطی کبریت بهش بدهند و کیفور شود!

در روزنامه اطلاعات ۲۷ شهریور ۱۳۰۶ نوشته شده که کارگران کارخانه ، کبریت خاصی به شاه دادند: یک جعبه کبریت طلا!

البته به اسم کارگران داده شد، اما در واقع خویی‌ها هدیه دادند!

در این روزنامه نوشته شده که: «قوطی مذکور از طلای خالص و روی آن یک شیر و خورشید از طلا، یک تاج با برگ خرما از برلیان و دو بیرق ایران در دو

طرف تاج از یاقوت، الماس و زمرد به طوری که برجسته بوده است. پشت قوطی نیز دورنمای کارخانه را ترسیم نموده بودند و در ذیل آن عبارت «تقدیمی کارگران کارخانه کبریت‌سازی تبریز» رسم شده بود. داخل قوطی از مخمل و یک جعبه کبریت سه رنگ بغلی در آن قرار داده شده بود.»

این هدیه‌ای بود که ممتاز به رضاشاه می‌دهد.

مشخص می‌شود که کبریت بغلی ممتاز که بیشتر، تک رنگ و دو رنگش را دیده‌ایم، ظاهراً یک طرح سه رنگ هم داشته است. منظور همان کبریت بغلی‌های ممتاز است که نقش «استخر فارس» و نقش «فروهر» پشت و روی آن درج شده است.

کمتر از ۴۰ سال بعد یعنی در ۱۳۴۴ و به مناسبت ۲۵مین سال سلطنت محمد رضا، کبریت‌سازی ممتاز، طرحی شبیه به همین کبریت طلا را به صورت لیبل چند رنگ منتشر می‌کند. احتمالاً همزمان با بازدید محمد رضا پهلوی از کبریت‌سازی ممتاز و هیاهوی انقلاب سفید شاه.

در بین اسنادی که در موزه کارخانه کبریت ممتاز موجود است، سندی دیده شده که نشان می‌دهد رضاخان زمانی که نخست وزیر و وزیر جنگ بوده، دستور داده تا از کبریت ممتاز برای تمام قشون خریداری شود. البته به دلایل متعدد نمی‌توان این سند را تایید کرد.

اتفاق کبریتی دیگر رضاشاه، مربوط می‌شود به راه‌اندازی ماشین‌آلات جدید در کارخانه سعادت زنجان. کبریت سعادت از سال ۱۳۱۲ آغاز به کار می‌کند اما در سال ۱۳۱۵ به دستگاه‌های جدید تجهیز می‌شود. زمان افتتاح این تجهیزات (۸ تیر ۱۳۱۵) رضاشاه و ولیعهد در زنجان بودند اما برای افتتاح نمی‌رود و به سمیعی (وزیر راه) دستور می‌دهد در مراسم آنها حضور پیدا کند.

کارخانه جدید حدود ۷۰۰ کارگر داشته و روزانه ۵۰۰ صندوق کبریت تولید داشته است. هر صندوق شامل هزار قوطی کبریت می‌شده. یعنی کبریت‌سازی سعادت روزانه فقط ۱۲۵۰۰ ریال بابت این پانصد هزار قوطی، حق انحصار به وزارت دارایی می‌داده است. حدوداً هر ۴۰ قوطی کبریت، یک ریال حق انحصار داشته.

مجهز شدن این کارخانه البته برای رضاشاه ددرساز هم شد. چون تعدادی از کارگران این کارخانه از مهاجران قفقاز بودند و آنها با قوانین کار آشنایی داشتند و سبب تحریک دیگر کارگران شدند.

یکی از این کارگران «جعفر کاویان» بود که مرام کمونیستی داشت و کارگران کبریت‌سازی را به اعتصاب تحریک کرد. این اعتصاب دومین اعتصاب بزرگ کارگری در دوره رضاشاه بود. اعتصاب بزرگتر مربوط به کارگران کارخانه پارچه‌بافی اصفهان بود.

اعتصاب به نتیجه نرسید و جعفر کاویان تبعید شد. کاویان کبریت‌ساز در دوره «پیشه‌وری» و فرقه دموکرات (سالهای ۱۳۲۴ و ۲۵) شد وزیر جنگ و فرمانده شهربانی حکومت خودمختار آذربایجان.

مساله کبریتی دیگر درباره رضاشاه، زمانی است که او به سفیر کشورهای اسکانندیناوی در تهران دستور می‌دهد تا از سوئد برایش سه صندوق کبریت با مارک سه ستاره بیاورد.

«اریک کالبری» یا «اریک کالبرگ» دستور می‌دهد این سه صندوق کبریت را وارد کنند. کبریت‌ها از سوئد به فنلاند می‌رود و از آنجا به بندر منچستر در انگلستان و از آنجا هم به بندر خرمشهر می‌آید. چند سند تاریخی در این باره موجود است که یکی از آنها را در «کتاب کبریت ایران» آورده‌ام.

اریک کالبری حدود سی سال در ایران بوده و زندگی کرده است. هر بار هم ماموریت‌های مختلفی داشته است. اولین بار در سال ۱۲۹۱ به ایران می‌آید و جزو هنگ ژاندارمری بوده برای برقراری امنیت جاده‌ها.

کتابی که هفته گذشته خبرش را دادم که معرفی می‌کنم خاطرات همین اریک کالبری است. وقتی برای بار اول به ایران می‌آید هنوز حکومت قاجار برقرار بوده، او که ظاهراً از فراوانی و زیادی شاهزاده‌های قجری متعجب شده و در جایی از کتابش می‌نویسد:

در ایران سه چیز فراوان است: شپش / شتر / شاهزاده!

او وقتی ماموریت نظامی‌اش تمام می‌شود به سوئد باز می‌گردد و بیکار می‌شود. تا اینکه اتفاقی اطلاعیه استخدام یک کبریت‌سازی سوئدی را می‌بیند که نیاز داشتند یک نفر به عنوان نماینده‌شان به ایران برود و همانجا بماند برای فروش کبریت‌های سوئدی در ایران. اریک کالبرگ سال ۱۳۰۷ مجدداً به ایران باز می‌گردد و این بار در کسوت نماینده فروش کبریت‌های سوئدی.

دو سال بعدش هم می‌شود سر کنسول سوئد در ایران. تا پیش از آن هیچ یک از سه کشور اسکاندیناوی یعنی سوئد و نروژ و فنلاند در ایران سفارتخانه نداشتند و امور کنسولی اتباع این کشور توسط سفارت فرانسه در تهران انجام می‌شد. وقتی کالبری می‌شود سرکنسول سوئد در تهران، در واقع امور کنسولی سه کشور نروژ و فنلاند و سوئد را انجام می‌داده.

کالبرگ تا سال ۱۳۳۶ در ایران بوده و وقتی مراجعت می‌کند خاطراتش را منتشر می‌کند که سال ۱۳۸۸ به فارسی ترجمه و چاپ می‌شود. خواندن این کتاب برای علاقه‌مندان جالب است.

کالبرگ مجموعه‌دار بوده و وقتی به سوئد برمی‌گردد، اجناس عتیقه بسیاری از ایران با خود می‌برد. از جمله یک پرده نقاشی لیلی و مجنون متعلق به دوره صفویه را که بسیار ارزشمند بوده است.

به عنوان آخرین اتفاق کبریتی رضاشاه هم می‌توان به گران شدن کبریت در جریان جنگ جهانی دوم اشاره کرد.

با شروع جنگ در سال ۱۳۱۸ مواد اولیه‌ای که برای ساخت کبریت لازم بود و از ژاپن وارد می‌شد، در بازار جهانی گران شد. کبریت‌سازان داخلی هم سر خود تصمیم گرفتند کبریت را گران کنند که وزارت دارایی مانع‌شان شد. اول سعی کرد با برگزاری جلسه مشترک با کبریت‌سازان بزرگ مانند توکلی، ممتاز، میهن و سعادت آنها را متقاعد کند که کبریت را گران نکنند. اما وقتی کارساز نشد، وزارت دارایی از ژاپن و شوروی کبریت وارد کرد و در تبریز و زنجان توزیع کردند تا قیمت‌شان را پایین بیاورند.

ظاهراً ماجرا همین‌طور ادامه می‌یابد تا اینکه رضاشاه دستور می‌دهد کبریت به همان قیمت سابق باشد. سال ۱۳۲۰ هم شیرازه کشور به خاطر هجوم نیروهای متفقین از هم می‌پاشد و کبریت قیمت مشخصی ندارد. البته درباره این سالها یعنی از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ که قیمت کبریت بالا کشید و درباره علل آن صحبت زیاد است که خارج از موضوع امشب (رضاشاه و کبریت) است.

انشاله در جلسه‌ای دیگر مفصل به این موضوع خواهم پرداخت.

باز هم از صبوری شما سپاسگزارم و امیدوارم مطالب مفید بوده باشد.

پرسش: هدیه ممتاز به رضاشاه در موزه‌ای جایی هست؟

پاسخ: جایی ثبت نشده که این کبریت طلا کجا رفته و چه شده. ممکن است در موزه ای جایی باشد. لذا با معرفی این کبریت در نظر داشتم خاطرنشان کنم دوستلن چنانچه در جایی دیدند یا خواندند اطلاع دهند که مشخص شود این کبریت کجاست. تاکنون مشخص نیست که کجاست.